

## مقدمه

تمثیل یکی از زیباترین آرایه‌های ادبی است که در کتاب اول دبیرستان، پس از حکایت تمثیلی «طوطی و بقال» این‌گونه تعریف شده است: «به این گونه حکایات که نتیجه‌ی آن‌ها می‌تواند سرمشقی برای موارد مشابه باشد تمثیل می‌گویند... این تمثیل‌ها غالب داستان‌ها و مَثُل‌های ساده و عامیانه هستند.»

این تعریف در عین فایده‌مندی و اختصار، برگرفته از تحقیق‌های محققان غربی در آثار ادبی آن‌هاست. با مراجعه به «فرهنگ اصطلاحات ادبی» ذیل اصطلاح «الیگوری Allegory» می‌توان به این تعریف دست یافت. جالب آن‌که برای این نوع از تمثیل نیز نمونه‌های بسیار زیادی در ادبیات فارسی می‌توان پیدا کرد اما کتب بلاغت قدیم اسلامی با چنین دقت و طراحتی بدان نپرداخته‌اند و بیشتر به تمثیل‌هایی توجه کرده‌اند که نوعی از صور خیال است و در حوزه‌ی شبیه یا استعاره به شمار می‌آید. آگاهی از این نوع دیگر تمثیل، موجب درک یکی از زیباترین آرایه‌های ادبی به خصوص در ادبیات سنتی فارسی و عربی می‌شود که نمونه‌هایی از آن را می‌توان در کتب درسی پیدا کرد اما تعریف کتاب درسی، در برگیرنده‌ی این نوع تمثیل نیست و حکایات و داستان‌های تمثیلی را دربر می‌گیرد.

عبدالقاهر جرجانی (متوفای ۴۷۱ هجری) درباره‌ی این نوع تمثیل نوشته است «تشبیه تمثیل که وجه شبه در آن امری ظاهر و آشکار نیست و روی هم نیاز به تأویل دارد و باید از ظاهر امر گردانده شود؛ زیرا مشبه با مشبه در صفت حقیقی مشترک نیست» (پژوهش‌دانیاریان، ۳۶۷: ۱۳۲). مانند «مثل‌الذین حملوا التوریه ثم لم يحملوها كمثل الحمار يحمل اسفلاه، يعني كسانی كه تورات را با خود دارند اما آن را نمی‌فهمند (مشبه) مثل خرى است که بر آن کتاب بار کرده باشند (مشبه‌به) (شمیسا، ۱۳۷۰: ۲۰۵). در این تشبیه، باید مشبه به را تمثیلی برای درک نکردن مفاهیم تورات در نظر گرفت.

«ولی باید توجه داشت که راه‌های تأویل متفاوت است، يعني چندان نزدیک است که می‌تواند در قلمرو تشبیهات دسته‌ی اول (= تشبیه ساده) قرار گیرد و بعضی به اندکی تأویل نیازمند است و بعضی به بیشتر و دقیق‌تر» (شفیعی، ۱۳۷۰: ۸۰). عبدالقاهر جرجانی در تشخیص تفاوت تشبیه تمثیل از تشبیه ساده ملاک دیگری نیز به دست می‌دهد: «تشبیهی که بیشتر شایسته‌ی عنوان تمثیل است، تشبیهی است که جز در یک کلام و یک جمله یا بیشتر گنجانده نمی‌شود.» (همان: ۸۲)

## در کتب درسی

### چکیده

تمثیل یکی از اصطلاحات ادبی است که دو نوع دارد. نوع اول: در بلاغت اسلامی نوعی تشبیه یا استعاره است. در نمونه‌های تشبیه‌ی، مشبه به معنای کلی‌تری از یک تشبیه دارد و باید تأویل شود و در نمونه‌های استعاره‌ی قرینه، معنا را در مفهوم استعاری محدود نمی‌کند و نمی‌تواند استعاره‌ی مصرحه باشد. اندازه‌ی این نوع از تمثیل‌ها یک یا دو بیت است و نمونه‌های بسیاری در ادبیات سنتی دارد.

نوع دوم، مطابق تعریف محققان معاصر علم بلاغت، داستان یا حکایتی است که معنایی در روساخت و معنایی در ژرف ساخت خود دارد. در کتاب سال اول، تمثیل نوع دوم بررسی شده است و در این مقاله، تمثیل نوع اول و نمونه‌هایی از آن به اختصار تحلیل شده است.

### کلید واژه‌ها:

تمثیل، حکایت، تشبیه، استعاره، قرینه.



برخی تمثیل‌ها  
که شکل استعاره‌ی  
مصرحه دارند،  
به دلیل نداشتن  
قرینه‌ای که معنارا  
محدود کند، بهتر  
است در صورت  
داشتن ادات  
تشبیه، تشبیه  
تمثیل به شمار  
آیند و در هنگام  
نداشتن ادات  
تشبیه، استعاره‌ی  
تمثیلیه، اگرچه  
استعاره‌ی تمثیلیه  
در کتب بلاغی،  
به گونه‌ای دیگر  
تعریف شده است

جلیل تجلیل در  
موردنمثیلهایی  
که نوعی  
تشبیه‌اند، نوشته  
است: «تشبیه  
تمثیل آن است که  
وجه شبه در آن از  
امور متعدد انتزاع  
شده باشد... مانند:

پیاده بودن از جانب اشکبوس مسخره می‌شود، می‌گوید:  
پیاده ندیدی که جنگ آورد  
سر سرکشان زیر سنگ آورد  
به شهر تو شیر و نهنگ و پلنگ  
سوار اندر آیند هر سه به جنگ؟ (فردوسی، ادبیات دوم دبیرستان)  
سواره نجنگیدن رستم = سواره نجنگیدن شیر و نهنگ و پلنگ  
در این بیت، قرینه «سواره نجنگیدن» است که هم در مورد  
رستم مصدق دارد و هم در مورد شیر و هم نهنگ ۱ و هم  
پلنگ و مانع از اراده‌ی معنای حقیقی شیر و نهنگ و پلنگ  
نیست؛ پس نمی‌تواند استعاره‌ی مصرحه باشد.  
شايد بهترین راه در مورد این ابیات، آن است که «استعاره‌ی  
تمثیلیه» نامیده شوند اما بالغه نویسان استعاره‌ی تمثیلیه  
را این گونه تعریف کرده‌اند: «هرگاه جمله‌ای در غیر معنی  
اصلی خود به علاقه‌ی مشابهت به کار رود، آن را تمثیل یا  
استعاره‌ی تمثیلیه گویند. چنان‌که سنایی «تکیه بر آب زدن»  
را در معنی کار بیهوده انجام دادن به کار برده است.» (تجلیل،  
۶۸: ۱۳۷)

### نتیجه‌گیری

برخی تمثیل‌ها که شکل استعاره‌ی مصرحه دارند، به دلیل  
نداشتن قرینه‌ای که معنا را محدود کند، بهتر است در صورت  
داشتن ادات تشبیه، تشبیه تمثیل به شمار آیند و در هنگام  
نداشتن ادات تشبیه، استعاره‌ی تمثیلیه. اگرچه استعاره‌ی  
تمثیلیه در کتب بلاغی، به گونه‌ای دیگر تعریف شده است.

پی‌نوشت  
۱. نهنگ در شاهنامه، گاهی به معنای تمساح است و صاحب دست و پا.  
رجوع کنید به لغت‌نامه، ذیل واژه‌ی نهنگ)

### منابع

۱. ادبیات فارسی ۲، سال دوم دبیرستان، چاپ ششم، ۱۳۸۲.
۲. پورنامداریان، تقی؛ رمز و داستان‌های رمزی در ادب فارسی، چاپ دوم، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۷.
۳. تجلیل، جلیل؛ معانی و بیان، چ ۵ مرک نشر دانشگاهی، ۱۳۷۰.
۴. شفیعی کدکنی، محمدرضا؛ صور خیال در شعر فارسی، چ ۴، مؤسسه‌ی انتشارات آگاه، ۱۳۷۰.
۵. شمیسا، سیروس؛ بیان، چاپ اول، انتشارات فردوس، ۱۳۷۰.
۶. فتوحی، محمود؛ تمثیل ماهیت، اقسام، کارکرد، مجله‌ی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت معلم تهران، سال ۱۲ و ۱۳، شماره‌ی ۴۷ – ۴۹، زمستان ۱۳۸۳، بهار و تابستان ۱۳۸۴.

جلیل تجلیل در مورد تمثیل‌هایی که نوعی تشبیه‌اند،  
نوشته است: «تشبیه تمثیل آن است که وجه شبه در آن از  
امور متعدد انتزاع شده باشد... مانند:

قرار در دل آزادگان نگیرد مال  
چو صبر در دل عاشق، چون آب در غربال (تجلیل، ۱۳۷۰: ۵۵)  
این نوع از تمثیل، گاه، بدون ادات تشبیه و مشبه در یک اثر  
ادبی خلق می‌شود که بلاغیون در مورد این نوع از تمثیل و  
تفاوت آن با استعاره‌ی مصرحه نکات بسیاری در کتب بلاغی  
ذکر کرده‌اند. مانند این بیت حماسه‌ی حیدری:

فلک باخت از سهم آن جنگ رنگ  
بود سهمگین، جنگ شیر و پلنگ

(باذل مشهدی، ادبیات دوم دبیرستان)

حذف مشبه‌به (علی) (ع) و عمره) و ادات تشبیه موجب می‌شود  
که مصرع دوم استعاره‌ی مصرحه به نظر برسد اما باید توجه  
داشت که وحشت‌ناکی جنگ شیر و پلنگ امری حقیقی است و  
قرینه‌ای برای محدود کردن معنی وجود ندارد. به عبارت دیگر،  
وحشت‌ناکی جنگ شیر و پلنگ، تمثیلی برای وحشت‌ناکی  
[اشدت] جنگ علی (ع) و عمره است به آن که استعاره از آن دو  
جنگ‌جو باشد. قرینه در این مصرع «وحشت‌ناک بودن جنگ»  
است که در مورد جنگ شیر و پلنگ مصدق دارد و هم در  
مورد جنگ علی (ع) و عمره بن عbedo.

بالغه نویسان وجود استعاره را مشروط به «قرینه»  
دانسته‌اند. «قرینه، ضمن آن که ما را به معنای مجازی کلمه  
رعبی می‌کند، محدود هم می‌کند» (پورنامداریان، همان: ۱۷).  
برای مثال، در ترکیب استعاری «سرو چمان» از «چمیدن»  
متوجه می‌شویم که منظور از «سرو»، معنای اولیه‌ی آن  
نیست و نمی‌توانیم سرو را جز در معنای استعاری در معنای  
حقیقی به کار ببریم اما در بیتی که از حماسه‌ی حیدری نقل  
شد، شیر و نهنگ و پلنگ می‌تواند جدای از معنای استعاری  
در معنای حقیقی نیز فهمیده شود و به همین دلیل، نمی‌تواند  
استعاره باشد. محمدرضا شفیعی کدکنی برای درک بهتر  
تمثیل راه حلی ارائه داده است: «در بیتی که پیش از این هم  
نقل کردیم؛ (صورت نبست در دل ما کینه‌ی کسی / آینه‌ی هر  
چه دید فراموش می‌کند)

می‌توان (=) میان دو مصراج قرار داد، یعنی هر دو مصراج، دو  
سوی یک معادله‌اند و به جای هر کدام از آن‌ها می‌توان دیگری  
را قرار داد و یک معنی را دریافت.» (شفیعی، ۱۳۷۰: ۸۵)  
برای برسی بهتر، نمونه‌ای دیگر از همان کتاب سال دوم، نبرد  
رسنم و اشکبوس، نقل می‌کنیم. رستم پس از آن که به خاطر